

آیتہ ۶۱

عبرت از عملکرد مردم سال
۶۱ هـ. قمری نسبت به منجی

خیمه ششم:
تیین جایگاه منجی

برگرفته از کتاب جان جهان امیر بیان قم



اولویت طلایی ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم که به فرمان خداوند، حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خود منصوب فرمود، قبل از معرفی و نصب آن حضرت، جمله‌ی «**ألسنت اولی بکم من انفسکم**» را بیان فرمودند و از آنان اقرار گرفتند که آیا طبق آیه قرآن، من از شما حتی نسبت به خودتان اولویت ندارم؟! همه گفتند: بله.

پیامبر صلی الله علیه و آله، این اولویت را برای امامان علیهم السلام نیز قائل بودند. نگاه ما به منجی باید اینگونه باشد، اگر ما همه هست و نیست مان فدای منجی شود و در بزنگاه فدایی هایمان را فدایش کنیم آنوقت حساب و کتاب عالم هم عوض می شود.

شب عاشورا وقتی امام حسین علیه السلام به یاران فرمود که همه فردا کشته می شوند، حضرت قاسم نزد عمویش آمد و پرسید: «آیا من هم کشته می شوم؟» امام پرسید: «مرگ نزد تو چگونه است؟» پاسخ داد: «مرگ برایم از عسل شیرین تر است.» امام فرمود: «تو هم در میان شهدا خواهی بود، پس از آن که گرفتار امتحان بزرگی شوی.» در حقیقت این سؤال و جواب، تجلی زنده‌ی آیه‌ی «**النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ**» بود.

بزرگ مرد کوچک ...

أم عمرو؛ زنی مجاهد و باغیرت بود. وی به همراه شوهرش، جناده بن حارث انصاری، روانه‌ی کربلا شد تا آمادگی خود را برای یاری حضرت اعلام کند. ابتدا جناده به شرف شهادت نایل آمد. با شهادت وی، أم عمرو، فرزندش را راهی میدان کرد. عمرو خدمت حضرت شرفیاب شد و با مشاهده‌ی جمال ملکوتی ایشان، آتش شوق در نهادش افروخته شد و اجازه رفتن به میدان خواست. حضرت فرمودند: چون پدر این جوان به شهادت رسیده، شاید مادرش به شرکت فرزند رضا ندهد. عمرو گفت: من با تشویق مادرم به حضور شما شرفیاب شده‌ام تا مرا به میدان جنگ بفرستید. سرانجام، حضرت به وی اجازه نبرد دادند. عمرو با شور به نبرد پرداخت، حماسه‌ها آفرید و بالاخره به دست کوفیان به شهادت رسید. کفار، سر او را از تن جدا کردند و به سوی سپاه حضرت پرتاب کردند. مادر شهید که با زبانی شاکر به این صحنه می‌نگریست، گفت خودم را نزد خداوند سرافراز میبینم.

ما از چی برای منجی می‌گذریم یا گذشته ایم؟ نباشد که مثل

این جوان بشویم !!

گذشتن از محبوبها ...

ما چقدر حاضریم از تعلقات زندگی خود گذشت کنیم و آنها را فدای منجی کنیم؟

یکی از اساتید می فرمود امر ظهور کاملا یک امر طبیعی است. یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آوردنی است نه آمدنی. اگر با معجزه ظهور اتفاق بیافتد می شود آمدنی، حال آنکه در آینه ی روایات و کلام بزرگان همه اذعان دارند که امام آوردنی است و ما باید کاری انجام بدهیم. اصلا هر جا که قرار است در سردو راهی، تاریخ رقم بخورد سنت خدا بر معجزه نیست چه اینکه یک امام یا ولی خدا شهید شود.

برای رسیدن به آنجایی که بتوانیم از هر چه و هر کس برای منجی بگذریم باید یک کار را تمرین کنیم و آنهم **تسلیم شدن** است. همان که سیدالشهدا علیه السلام در گودی قتلگاه وقتی صورت روی خاک داغ کربلا گذاشتند فرمودند: **إِلَهِي رَضِي بِقَضَائِكَ تَسْلِيمِ الْأَمْرِكِ لَا مَعْبُودَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ**. اگر تسلیم امر مولا شدیم می توانیم از محبوب ها بگذریم. مقدمه تسلیم شدن توجه به حلال و حرام است فرق ندارد چه در لقمه چه در عمل.

لقمه حلال ...

خدای متعال می فرماید: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (مؤمنون، ۵۱) ای پیامبران! از خوردنی های پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید؛ مسلماً من به آنچه انجام می دهید، دانایم.

لقمه حلال بسیار مهم است که خدای متعال به رسولان خود اول توصیه به لقمه حلال می کند بعد انجام عمل صالح.

حب با دل انسان ارتباط مستقیم دارد، لقمهء حرام دل را می میراند. انسان بما هو انسان اخلاقیات و خوبی را دوست دارد، ولی لقمهء حرام کاری کرده که آنها امام را دوست ندارند.

سیدالشهداء فرمود: مُلِئْتُ بَطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ (عوامل العلوم، ج ۱۷، ص ۲۷۱)

امام سوار بر ناقه شد با لباس پیغمبر و سخن گفت آنها هلهله کردند؛ امام سوار بر اسب حالت جنگی سخن گفت آنها هلهله کردند؛ امام پیاده سخن گفت آنها هلهله کردند.

حب منجی با لقمهء حرام جمع نمی شود.